

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۴، بهار و تابستان ۱۴۰۱، شماره ۲۷

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۱۴۱-۱۷۲

گونه‌شناسی روایات ابان بن تغلب در جوامع روایی اهل تسنن تا سده پنجم هجری

محمد علی محمدی*

حسین ستار**

چکیده

مواجهه عمومی محدثان اهل تسنن با ابان بن تغلب، به عنوان راوی شیعه مذهبی که دارای جایگاه علمی ویژه‌ای بوده و در زمینه‌های مختلفی چون فقه، تفسیر، قرائت و... تبحر داشته، عموماً از سنخ قبول روایات بوده است. در این مطالعه پس از گردآوری طیف‌های روایی گوناگون نقل شده از ابان با رویکردی درون‌متنی با استفاده از روش حلقه مشترک - در نگاه موتسکی - به چرایی غلبه طیف روایی فقهی و سپس اخلاقی در جوامع و مسانید اهل تسنن پاسخ داده می‌شود. بر این اساس نقش حلقه مشترکی چون حماد بن زید، همچنین افراد مهمی مانند شعبه و... در گسترش طیف روایی فقهی و نیز یحیی بن حماد در گسترش طیف روایی اخلاقی مشهود بوده است. مسئله بعدی که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفت، دلایل برون‌متنی چرایی غلبه رویکرد فقهی در جوامع و مسانید، دلایل عدم نقل بخاری و نیز نقل پرشمار طبرانی در گسترده‌ترین طیف‌ها از ابان بوده که برای پاسخ به آن‌ها می‌توان به این مسئله اشاره کرد که سبک نگارش این کتب و نیز نوع نگاه یا شخصیت علمی نویسندگان در این باره نقش مهمی ایفا کرده است.

کلیدواژه‌ها: ابان بن تغلب، جوامع و مسانیدنویسان، حلقه مشترک، رویکرد فقهی.

* دانشجوی دکتری، گروه الهیات و معارف اسلامی، علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. نویسنده مسئول / alimohammadi.m69@gmail.com

** استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / tadrik1390@gmail.com

۱. بیان مسئله

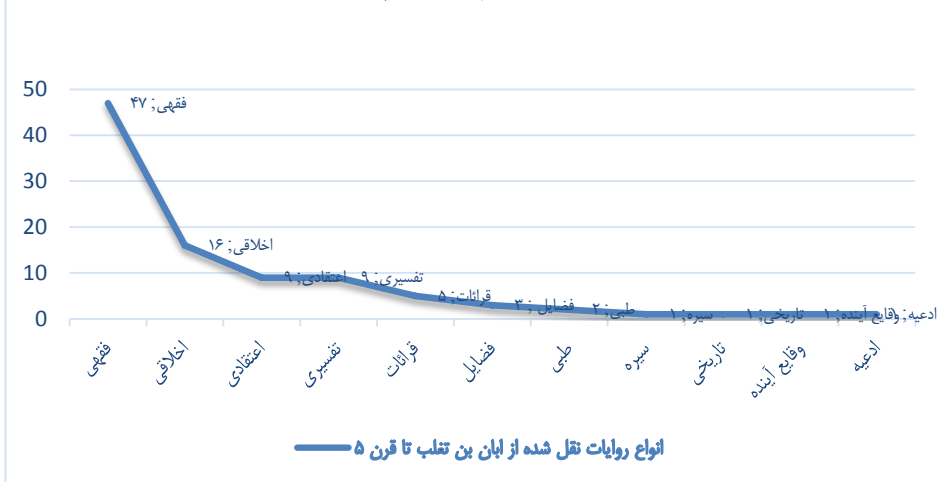
ابان بن تغلب بن ربیع (د ۱۴۱ق)، به عنوان شخصیتی شیعه مذهب که در زمینه های مختلف علوم و فنون اسلامی (چون قرائت، فقه، تفسیر و...) تبحر داشته و نیز محضر سه امام همام شیعه (امام سجاد و صادقین علیهما السلام) را درک نموده و از ایشان و نیز از تابعین روایت نقل کرده است (نک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۰-۱۳)، در میان عموم دانشمندان اهل تسنن نیز به عنوان راوی دانشمند شیعه مذهبی شناخته شده که نه تنها روایت از وی پذیرفته شده بلکه در نظر برخی از دانشمندان اهل تسنن (که در ذیل خواهد آمد)، پذیرش آنها اجتناب ناپذیر است. با آنکه گاه، نگاه عده اندکی از دانشمندان اهل تسنن به روایان شیعه چون ابان، سلبی و از سنخ طرد (برای نمونه نک: جوزجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۶۷) بوده، نگاه عمومی دانشمندان به وی از سنخ قبول روایات (برای نمونه نک: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸۱؛ خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۰) است. به علاوه جایگاه روایی وی در جوامع و مسانید اهل تسنن تا حدی بوده است که برخی از دانشمندان بزرگ اهل تسنن با وجود اذعان به تشیع وی، به این مسئله تصریح نموده اند که کنار گذاشتن روایات منقول از افرادی چون ابان بن تغلب (به علت شیعه مذهب بودن) موجب از دست رفتن قسمتی از آثار نبوی خواهد شد. (ذهبی، ۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۱۱۸)

پیش از این مطالعه، علی عبدالرزاق هادی در مقاله «التشیع و الرفض عند المحدثین»، حامد خانی در «بایسته های پژوهش در حیات و اندیشه ابان بن تغلب»، زهراء سعدون زاجی در پایان نامه خود با عنوان *روایت های ابان بن تغلب در منابع شیعی و سنی تا ابتدای قرن پنجم هجری با تأکید بر روایت های تاریخی*، جوزف فان اس در کتاب خود (که در ادامه مقاله در بخش دلایل برون متنی غلبه رویکرد فقهی بدان اشاره خواهد شد)،^۱ علی اکبر ضیائی در مدخل «ابان بن تغلب» *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*،^۲ جاودان و منصوروری راد در مقاله «ابان بن تغلب؛ متکلمی از تبار محدثان امامی»، حکیمه ذاکری در پایان نامه خود با عنوان *بررسی آراء، اقوال و روش تفسیری ابان بن تغلب*، هر کدام به شخصیت و روایات ابان پرداخته اند؛ با وجود اینکه برخی از آنها به موضوع این مقاله نزدیک هستند، برای نمونه مقاله «التشیع و الرفض عند المحدثین» که به دیدگاه رجالین

و محدثین دربارهٔ راویان شیعه - با انتخاب مثال و نمونهٔ ابان بن تغلب - پرداخته و نیز در پایان‌نامهٔ سعدون زاجی با نقل روایات تاریخی و غیرتاریخی از ابان در منابع اهل تسنن تا قرن پنجم به رویکرد این مقاله نزدیک شده، هیچ‌کدام از مقالات، کتب و پایان‌نامه‌های ذکرشده به مسئلهٔ گونه‌شناسی این روایات و نیز پی‌جویی دلایل آن پرداخته است. در این مطالعه بنا بر آن است که پس از ذکر ادلهٔ نقل کلی از ابان با توجه به دیدگاه رجالیون، به معرفی روایات و نیز ذکر طیف‌های روایی مختلف (فقهی، اخلاقی، تفسیری و...) یا به عبارت دیگر گونه‌شناسی این روایات که توسط جوامع و مسندنویسان^۳ نقل شده، پرداخته شود. براساس نتایج این قسمت، ابتدا به دلایل درون‌متنی چرایی غلبهٔ این طیف‌ها با استفاده از روش حلقهٔ مشترک - در نگاه موتسکی - و سپس به ادلهٔ برون‌متنی چرایی غلبه برخی از این رویکردها بر برخی دیگر، عدم نقل بخاری و نیز نقل پرشمار در بیشترین طیف‌ها از سوی طبرانی خواهیم پرداخت.^۴

نمودار ذیل نیز نشان‌دهندهٔ گونه‌های روایات از ابان بن تغلب در سده‌های دوم تا پنجم است:

گونه‌شناسی روایت از ابان بن تغلب در جوامع و مسانید از قرن دوم تا پنجم



۲. مواجهه دانشمندان رجالی با ابان و بیان انگیزه‌های کلی محدثان در نقل از وی

انگیزه‌های کلی نقل محدثان اهل تسنن از ابان را می‌توان به صورت عمومی در آثار دانشمندان رجالی اهل تسنن پی جویی کرد. در اینجا نظرات رجالیون اهل تسنن درباره شخصیت ابان آورده می‌شود و در پایان، انگیزه‌های کلی نقل محدثان اهل تسنن از این نظرات استنتاج خواهد شد:

مزّی (د ۷۴۲ق) ذیل ترجمه ابان بن تغلب بیان می‌کند: ابان بن تغلب ربّعی کوفی قاری؛ از جعفر بن محمد صادق علیه السلام، ابو جعفر محمد بن علی باقر علیه السلام و بسیاری دیگر چون جهم بن عثمان مدنی، عدی بن ثابت، حکم بن عتیبه، سلیمان اعمش، طلحة بن مصرف، عکرمه مولی ابن عباس، عطیه سعد عوفی، منهال بن عمرو اسدی و... روایت نقل نموده است و نیز افرادی چون ابان بن عبدالله بجلی، ابان بن عثمان و... از او روایت نقل کرده‌اند. (مزّی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۶) مزّی تعداد روایات او را نزدیک به صد روایت می‌داند و در ادامه می‌گوید که جماعت (عامه محدثان اهل تسنن)، به جز بخاری - در جامع الصحیح - از وی روایت نقل کرده‌اند. (همان، ج ۲، ص ۸)

ابو احمد ابن عدی بیان می‌کند که ابان در روایت تقه است و با وجود شیعه‌مذهب بودن، اهل صدق بوده و در روایت او را صالح می‌داند. (همان، ج ۲، ص ۷) ابن حجر عسقلانی (د ۸۵۲ق) نیز با این قول موافق است و نظر جوزجانی را که ابان را مذموم در مذهب، منحرف و مجاهر می‌داند، معتبر نمی‌داند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸۱)

ابن حجر بین تشیع در عرف متقدمین و متأخرین تمایز قائل شده و تشیع در عرف متقدمین را برتری دادن حضرت علی علیه السلام بر عثمان تعریف می‌کند و در ادامه به این مسئله می‌پردازد که چه بسا عده‌ای از شیعیان معتقد به افضلیت حضرت علی علیه السلام بر تمام خلائق بعد رسول الله صلی الله علیه و آله باشند، حتی با وجود چنین اعتقادی، اگر این افراد اهل ورع، تدین و صادق و مجتهد باشند، روایتشان رد نخواهد شد. (همان، ج ۱، ص ۸۱) وی در ادامه، تشیع در عرف متأخرین را رفض محض می‌داند. (همان جا)

ذهبی (د ۷۴۸ق) به طور مجمل ابان بن تغلب را این گونه معرفی می‌کند: ابان بن تغلب به صدوق بودن شهرت دارد، مسلم از او روایت نقل کرده ولی بخاری از او روایتی

نیاورده، یکی از ائمه معروف که از عکرمه [روایت] سماع کرده و عدی بن ثابت او را توثیق نموده و خدا داناتر است. (ذهبی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۸)

در بیانی مفصل‌تر ذهبی در ترجمه ابان می‌گوید: امام قاری کوفی شیعه‌مذهب که از حکم و عدی بن ثابت و فضیل بن عمرو فقیمی و جماعت دیگری حدیث نقل کرده است. قرائت را از طلحه بن مصرف و عاصم بن ابی النجود اخذ کرده و حفظ را از اعمش فرا گرفته است. افراد بسیاری چون ادریس بن یزید اودی، شعبه، سفیان بن عینه و... از او حدیث نقل کرده و نزد او خوانده‌اند. بنفسه ابان بن تغلب فردی صدوق و عالمی بزرگ است و بدعت او خفیف بوده و به بزرگان تعرض نمی‌کند. نزدیک به صد حدیث از او روایت شده و بخاری از او روایتی نیآورده است. وی در سال ۱۴۱ق درگذشت. (همو، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۳۰۸)

ذهبی بعد از اعلام صدوق بودن ابان در روایت، بدعت او را بر عهده خود او گذاشته، در ادامه وی بدعت را به دو دسته تقسیم می‌کند: الف. بدعت صغری به معنای غلو در تشیع یا تشیع بدون غلو؛ ب. بدعت کبری به معنای رفض کامل و غلو در آن که به معنای حط و لعن نسبت به خلیفه اول و دوم اهل تسنن است.

وی در ذیل بدعت صغری، بسیاری در میان تابعین و اتباع تابعین را که متدین، اهل ورع و صدق بوده‌اند مشمول این بدعت می‌داند و بیان می‌کند که در صورت رد و کنار گذاشتن احادیث این افراد، قسمتی از آثار نبوی از دست می‌رود و این مفسده‌ای آشکار است. (همو، ۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۱۱۸)

او ابان بن تغلب را دارای بدعت صغری دانسته (اعتقاد به برتری حضرت علی علیه السلام بر خلیفه اول و دوم اهل تسنن) و وی را از بدعت کبری و معنای متأخر غلو در زمان ذهبی که تبرّی و تکفیر خلیفه اول و دوم اهل تسنن است، مبرا می‌داند. (همان، ج ۱، ص ۱۱۹)

بنابراین به صورت عمومی (از نگاه رجالیون اهل تسنن به ابان)، می‌توان انگیزه‌های

ذیل را به عنوان انگیزه‌های کلی چرایی نقل از ابان توسط محدثان بیان کرد:

۱. جایگاه علمی ابان (که با الفاظی چون امام، قاری و... بیان شده)؛
۲. روایت وی از عالمان اهل تسنن و نیز بزرگان شیعه (مورد قبول اهل تسنن)؛
۳. روایت از وی که نشان دهنده اعتماد به وی از سوی عالمان اهل تسنن است؛^۵

۴. اهل صدق بودن و صالح بودن در روایت؛

۵. عدم تعرض وی به بزرگان اهل تسنن؛

۶. شرط ندانستن مذهب در نقل روایت - و یا حداقل شرط مطلق ندانستن آن - از سوی بسیاری از محدثان اهل تسنن (با ایجاد تمایز بین شیعه غیر غالی و شیعه غالی - به ترتیب تشیع به معنای متقدم و متأخر - و اذعان به بدعت صغری از سوی او که به صحت روایتش آسیب نمی زند).

۷. مفسده آشکار بودن کنار گذاشتن قسمتی از آثار نبوی به دلیل تشیع راوی (به دلیل وجود نمونه های فراوانی از تابعین و اتباع تابعین اهل ورع و هم مذهب ابان در سده های نخستین اسلامی که با کنار گذاشتن روایات ایشان قسمتی از آثار نبوی از میان خواهد رفت).

دلایل مذکور می تواند به عنوان انگیزه های عمومی نقل روایت اهل تسنن از ابان (که از سوی دانشمندان رجال اهل تسنن بیان شده) تلقی گردد.

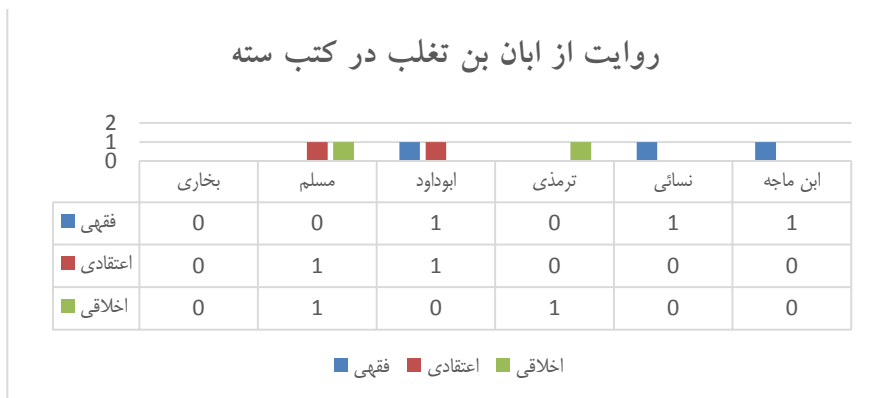
۳. مواجهه جوامع و مسانید نویسان اهل تسنن با روایات ابان از سده دوم تا

پنجم

در این قسمت به ترتیب اهمیت کتب حدیثی اهل تسنن روایات منقول از ابان بن تغلب در جوامع و مسانید آورده خواهد شد. ابتدا مواجهه نویسندگان کتب سته، سپس به ترتیب زمانی روایات منقول از وی در این کتب از سده دوم تا پنجم هجری و نحوه مواجهه و رویکرد محدثان با این روایات بیان خواهد شد. مسئله مهمی که می بایست در قسمت معرفی روایات منقول از ابان بدان توجه شود، مسئله تکرار روایات است. تکرار در طیف روایات فقهی (در چندین روایت از جمله تکبیر در مواقع مختلف نماز و...) و نیز در طیف روایی اخلاقی (که در روایت اخلاقی کبر کاملاً مشهود است)^۶ می تواند نشان دهنده علت غلبه کمی این طیف روایی بر سایر طیف ها باشد.^۷

۳-۱. مواجهه اصحاب کتب سته با روایات ابان بن تغلب

صاحبان کتب سته، در نقل روایت از ابان سه گونه مواجهه فقهی، اعتقادی و اخلاقی داشته اند. در نمودار ذیل، به فراوانی روایات ابان و نیز طیف های روایی آنها در کتب سته پرداخته شده است:



همان طور که دیده می‌شود، ۳ روایت فقهی، ۲ روایت اعتقادی و ۲ روایت اخلاقی در این آثار نقل شده است. با آنکه هیچ‌کدام از طیف‌های بالا بر هم برتری کمی مطلق ندارند، با نگاهی کمی می‌توان بیان داشت که به روایات فقهی توجه بیشتری شده است.

۳-۱-۱. مواجهه بخاری با روایات ابان

بخاری (د ۲۵۶ق) در جامع الصحیح خود برخلاف سایر کتب سته، روایتی از ابان بن تغلب نقل نکرده است. در ادامه مقاله، در قسمت دلایل رویکردهای گوناگون، به چرایی عدم نقل بخاری پاسخ داده خواهد شد.

۳-۱-۲. مواجهه مسلم با روایات ابان تغلب

مسلم بن حجاج (د ۲۶۱ق) در جامع الصحیح خود دو روایت، یکی اخلاقی و دیگری اعتقادی از ابان بن تغلب روایت کرده است. روایت اول (مسلم بن حجاج، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۳) در ذیل «باب تحریم الکبر و بیان» آمده و درباره عدم ورود فرد متکبر به بهشت (حتی با وجود متقال ذره‌ای کبر) است. با آوردن لفظی فقهی چون «تحریم» در ابتدای این باب، به نظر می‌رسد مسلم، پدیده اخلاقی کبر را در ارتباط با فقه و حلال و حرام می‌دانسته؛ بنابراین با وجود اخلاقی بودن روایت نمی‌توان از رویکرد فقهی مسلم نسبت به این روایت از ابان غفلت کرد. در روایت دوم (همان، ج ۱، ص ۱۱۵) که در باب «صدق الایمان و اخلاص» آورده شده، درباره شأن نزول آیه مبارکه «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ...» (انعام: ۸۲) است که در جواب گران آمدن آن بر اصحاب (به دلیل ظلم به نفس دانستن هر گناهی)، رسول خدا ﷺ ظلم را بر اساس پاسخ لقمان به پسر خود (لقمان: ۱۳) شرک دانسته‌اند. اصل مسئله ایمان به خدا و شرک به او را می‌توان مسئله‌ای اعتقادی

دانست ولی عنوان صدر روایت نشان می‌دهد که از نظر مسلم ایمان نیازمند صدق و اخلاص است و ایمان به تنهایی دارای ضمیمه اخلاص نیست. در این صورت نمی‌توان رویکرد اخلاقی مسلم را به این روایت اعتقادی نادیده گرفت. با توجه به روایات مسلم از ابان بن تغلب می‌توان رویکرد او را نسبت به روایات ابان مواجهه و رویکردی اخلاقی (اخلاقی-فقهی) و اعتقادی دانست.

۳-۱-۳. مواجهه ابوداود با روایات ابان تغلب

ابوداود سجستانی (د ۲۷۵ق) در سنن خود، روایتی فقهی از ابان بن تغلب در ذیل باب «ما یؤمر به المأموم من اتباع الامام» درباره نحوه نماز جماعت بیان می‌کند. (ابوداود سجستانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۸) علاوه بر آن وی روایتی اعتقادی را در ذیل «کتاب الحروف و القرائات» و بابی بدون عنوان می‌آورد و در آن ویژگی اهل علیین در بهشت را بیان می‌کند. (همان، ج ۴، ص ۳۴) با توجه به عنوانی که ابوداود برای این بخش ذکر کرده می‌توان این روایت را با آیات علیین در قرآن کریم (مطففین: ۱۸-۱۹) مرتبط دانست؛ بنابراین به نظر می‌رسد وی به این روایت نگاهی تفسیری داشته است.

۳-۱-۴. مواجهه ترمذی با روایات ابان تغلب

ترمذی (د ۲۷۹ق) صاحب جامع ترمذی که به سنن مشهور است، در ذیل باب «ما جاء فی الکبر» همان روایت اخلاقی را که مسلم درباره عدم ورود متکبر به بهشت نقل کرده بود، به همراه عبارت اضافی تر عدم ورود مؤمن به آتش (حتی با ذره‌ای ایمان) ذکر می‌کند. در ادامه به تفسیر قسمت اضافی آن از سوی بعضی از اهل علم به همراه روایتی از ابوسعید خدری می‌پردازد، سپس تفسیر برخی از تابعین را درباره آیه «رَبَّنَا اِنَّكَ مِنْ تَدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ اُخْرِیْتَهُ» (آل عمران: ۱۹۲) بیان می‌کند و در پایان می‌گوید این حدیثی حسن، صحیح و غریب است. (ترمذی، بی تا، ج ۴، ص ۳۶۱) وی برخلاف مسلم (که از لفظ تحریم برای کبر در عنوان استفاده کرده بود) در عنوان خود کبر را مسئله‌ای از سنخ حلال و حرام به حساب نیاورده، به علاوه قسمت اضافه‌ای که وی بیشتر از مسلم آورده مسئله‌ای اعتقادی را بیان می‌کند که حتی خود وی نیز در عنوان باب به آن اهمیت نداده است. این مسئله نشان‌دهنده توجه و اعتنای وی به قسمت ابتدایی و اخلاقی روایت است.

۳-۱-۵. مواجهه نسائی با روایات ابان تغلب

نسائی (د ۳۰۳ق) در ذیل باب «كَيْفَ التَّلْبِيَةِ» در هر دو کتاب سنن و سنن کبری خود روایتی فقهی از ابان را نقل می‌کند که در آن عبدالله بن مسعود کیفیت تلبيه (لیک اللهم لیک...) از پیامبر ﷺ را روایت کرده است. (نسائی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۶۱؛ همو، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۵۳) عنوان این باب و نیز محتوای روایت در هر دو کتاب نسائی بیانگر رویکرد فقهی وی نسبت به روایات ابان است.

۳-۱-۶. مواجهه ابن ماجه با روایات ابان تغلب

ابن ماجه (د ۲۷۵ق) در سنن خود در باب «ما جاء فی استقبال الامام وهو یخطب» روایتی از ابان بن تغلب از عدی بن ثابت از پدرش، درباره استقبال اصحاب رسول خدا ﷺ در هنگام قیام ایشان بر منبر نقل کرده است. (ابن ماجه، بی تا، ج ۱، ص ۳۶۰) عنوان باب و نیز محتوای روایتی که ابن ماجه آورده کاملاً گویای رویکرد فقهی وی به روایات ابان است.

۳-۲. مواجهه سایر جوامع و مسانیدنویسان اهل تسنن با ابان بن تغلب

از سده دوم تا پنجم صرف نظر از کتب سته، گرایش غالب سایر جوامع و مسانیدنویسان اهل تسنن نسبت به روایات ابان بن تغلب گرایش و مواجهه فقهی و پس از آن اخلاقی بوده است. البته طیف‌های دیگر روایی چون اعتقادی، تفسیری، درباره قرائات و... نیز در این آثار از ابان روایت شده است.

۳-۲-۱. مواجهه با روایات ابان تغلب در سده دوم

با آنکه در سده دوم هجری، کتب حدیثی به صورت وسیع تدوین نیافته بودند در کتب فقهی و حدیثی شاهد نقل روایات فقهی ابان هستیم؛ در ادامه به نقل آن‌ها خواهیم پرداخت.

شافعی (د ۲۰۴ق) در کتاب *اللدیات و القصاص* روایتی از ابان بن تغلب نقل می‌کند که در آن قضاوت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حکم کشته شدن فردی از اهل ذمه از سوی فرد مسلمان مطرح شده است. (شافعی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۴) عنوان بخش و نیز محتوای روایت حاکی از فقهی بودن گرایش شافعی در گزینش روایات ابان است.

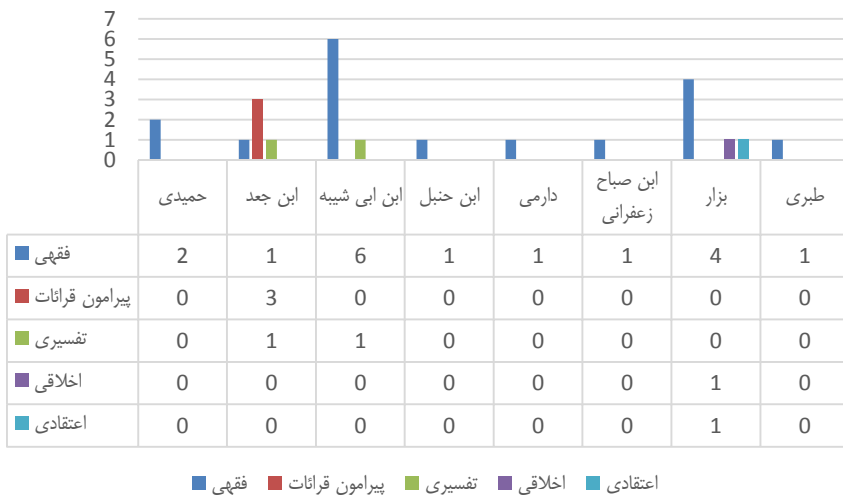
طیالسی (د ۲۰۴ق) در ذیل عنوان «حدیث وائل بن حجر عن النبی» درباره نحوه نماز پیامبر ﷺ [تکبیر در مواقع مختلف نماز] نسبت به وی دارای گرایشی فقهی است.

(طیالسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۷)

۲-۲-۳. مواجهه با روایات ابان در سده سوم

در سده سوم، در کتب حدیثی غیر از کتب سته شاهد شروع گرایش های متنوع تر (نسبت به سده پیشین و نیز کتب سته) هستیم. بر این اساس در این سده علاوه بر گرایش های فقهی، اخلاقی و اعتقادی به روایات ابان، برخی روایات درباره قرائات و نیز تفسیر نیز از وی نقل شد. در نمودار ذیل گونه ها و تعداد روایات ابان بن تغلب در سده سوم (به جز کتب سته) نمایش داده شده است:

روایت از ابان بن تغلب در غیر کتب سته در قرن ۳



در ادامه به روایات ابان در کتب این سده خواهیم پرداخت:

حمیدی (د ۲۱۹ق) با آوردن دو روایت با محتوای فقهی از ابان، گرایش فقهی خود را نشان داده است. این دو روایت در قسمت «احادیث بلال بن رباح» یا «مسند» او (حمیدی، بی تا، ج ۱، ص ۸۲) و در قسمت «احادیث براء بن عازب» یا «مسند» وی (حمیدی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۷) به ترتیب درباره مسح پیامبر ﷺ و نیز برخی آداب نماز جماعت است.

ابن جعد (د ۲۳۰ق) یک روایت فقهی، سه روایت درباره قرائات و یک روایت

تفسیری از ابان بن تغلب نقل کرده است. روایت فقهی در بخش «الحکم عن مقسم» درباره برخی احکام صید است. (ابن جعد، ۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۳) در بخش «ابان بن تغلب» سه روایت درباره قرائات (همان، ج ۱، ص ۳۷۷-۳۷۸) و یک روایت تفسیری از مجاهد (همان، ج ۱، ص ۳۷۷) روایت شده است. از آنجا که از لحاظ کمی ابن جعد بیشتر به روایات در خصوص قرائات پرداخته، گرایش غالب وی، این طیف روایی است.

ابن ابی شیبه (د ۲۳۵) با آوردن شش روایت فقهی و یک روایت تفسیری از ابان بن تغلب رویکردی فقهی به روایات او داشته است. روایات فقهی وی عبارت‌اند از: روایت تلبیه در مسند (ابن ابی شیبه، ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۲۶۴)، و در ابواب فقهی مصنف خود، روایتی درباره نحوه تکبیر رسول خدا ﷺ در «کتاب الصلاة» (همو، ۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۶۵)، در «کتاب الزکاة» (همان، ج ۲، ص ۴۳۱) و در «کتاب السیر» (همان، ج ۶، ص ۴۳۶) یک روایت با تفاوت دو لفظ «رطین» و «رفلتین» تکرار شده است. به‌علاوه روایتی درباره برخی احکام حج در «کتاب الحج» (همان، ج ۳، ص ۱۳۰)، دو روایت دیگر در «کتاب البیوع والأفضیة»، یکی در باب «فی الرجل یملک المحرم منه یعتق أم لا» (همان، ج ۴، ص ۲۷۶) و دیگری در باب «فی الرجل یعتق بعض مملوکه» (همان، ج ۴، ص ۳۲۸) ذکر شده است. روایت تفسیری ابن ابی شیبه از ابان نیز در «کتاب النکاح» درباره تفسیر آیه ۵۰ سوره احزاب (ابن ابی شیبه، ۴۰۹ق، ج ۳، ص ۵۶۲) ذکر شده، که نشان‌دهنده نگاه فقهی او به این روایت تفسیری است.

احمد بن حنبل (د ۲۴۱ق) (بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۰)^۸، **دارمی** (د ۲۵۵ق) (۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۸۷)^۹، **ابن صباح زعفرانی** (د ۲۶۰ق) (۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۲)^{۱۰}، هر یک با آوردن یک روایت فقهی از ابان رویکردی فقهی به وی داشته‌اند.

بزار (د ۲۹۲ق) در مسند خود ۴ روایت فقهی، ۱ روایت اعتقادی و ۱ روایت اخلاقی از ابان نقل کرده است. روایات فقهی عبارت‌اند از: روایت درباره «وتر» و سنت بودن آن (بزار، ۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۲۶۹)، روایت درباره قبور (همان، ج ۳، ص ۹۲)، روایت درباره تلبیه (همان، ج ۵، ص ۲۸۵)، روایت فقهی نحوه تطهیر ظرف لیسیده‌شده کلب. (همان، ج ۱۷، ص ۱۱۳) روایات دیگر عبارت‌اند از: روایت اعتقادی درباره ظلم و شرک (همان، ج ۴، ص ۳۱۲) و دیگری روایت اخلاقی درباره کبر. (همان، ج ۵، ص ۲۷)

ابو یعلیٰ موصلی (د ۳۰۷ق) با آوردن سه روایت فقهی از ابان در معجم و مسند خود رویکرد و گرایش فقهی به روایات ابان بن تغلب داشته است. روایت اول در معجم، درباره نحوه تبعیت از پیامبر ﷺ در نماز جماعت (ابو یعلیٰ موصلی، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷۷) آمده و دو روایت دیگر در مسند وی، یکی درباره تلبیه (همو، ۴۰۴ق، ج ۸، ص ۴۴۰) و دیگری درباره بیع (همان، ج ۹، ص ۲۷۹) آورده شده است.

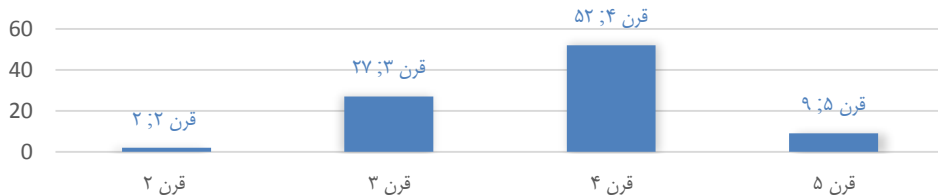
طبری (د ۳۱۰ق) نیز در تهذیب الآثار خود یک روایت فقهی از ابان بن تغلب نقل نموده (طبری، بی تا، ج ۳، ص ۴۵) که نشان دهنده گرایش فقهی او در گزینش روایات ابان است.

۳-۲-۳. مواجهه با روایات ابان تغلب در سده چهارم

نمودار پیش رو نشان دهنده کمیت روایات منقول از ابان از سده دوم تا پنجم است:

تعداد روایات ابان بن تغلب در جوامع و مسانید اهل تسنن تا قرن

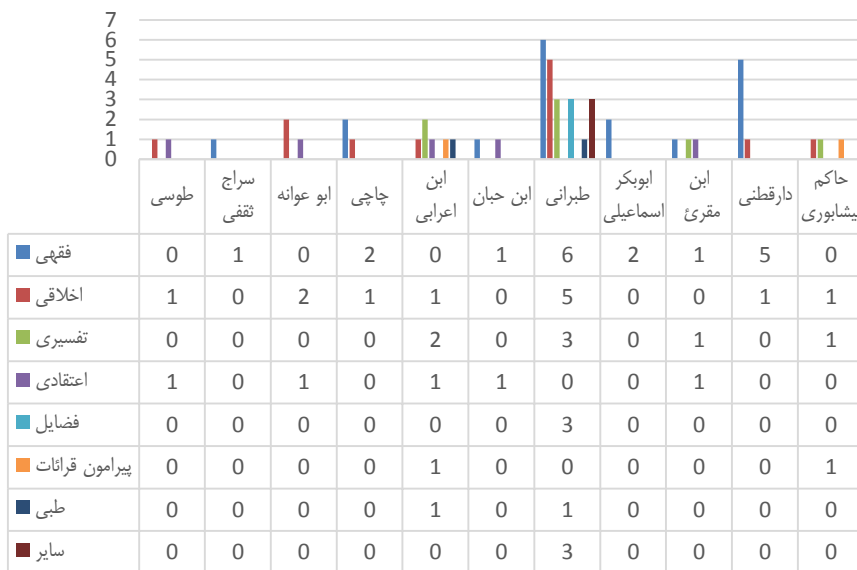
۵



همان طور که مشاهده می کنید سده چهارم، سده ای است که بیشترین نقل از ابان صورت گرفته است. در این سده با شروع نگارش کتب حدیثی چون معاجم سه گانه طبرانی گرایش های محدثان به روایات ابان بن تغلب نیز تنوع زیادی یافت و در طیف های گوناگونی از وی روایت نقل شد. در این سده محدثان علاوه بر روایت و گزینش طیف های روایی دو سده گذشته، در موضوعات فقهی، اخلاقی، اعتقادی و در خصوص قرائات و تفسیر، به نقل روایات دیگری با مضامین فضایل، طبی، سیره، تاریخ و وقایع آینده از ابان روی آوردند. از این رو سده چهارم، سده ای است که در آن از لحاظ کمی، پرشمارترین و از لحاظ تنوع، گسترده ترین طیف های روایی از ابان روایت شده است.

نمودار زیر فراوانی گونه‌های مختلف روایی از ابان را در سده چهارم نشان می‌دهد:

روایت از ابان بن تغلب در غیر کتب سته در قرن چهارم



با توجه به نمودار بالا می‌توان یکی از دلایل گسترش و تنوع نقل از ابان در این سده را نقل پرشمار طبرانی از وی دانست. به دلیل اهمیت طبرانی در این سده، ابتدا به بررسی طیف‌های روایی منقول از وی خواهیم پرداخت.

۳-۲-۱. مواجهه طبرانی با روایات ابان بن تغلب

طبرانی (د ۳۶۰ق) در معاجم سه‌گانه خود از لحاظ کمی، پرشمارترین نقل روایی از ابان بن تغلب را به خود اختصاص داده است. وی در مجموع ۲۱ روایت از ابان نقل کرده است که عبارت‌اند از: شش روایت فقهی، پنج روایت اخلاقی، سه روایت تفسیری، سه روایت درباره فضایل و روایاتی در خصوص مضامین سیره، تاریخی، طبی و وقایع آینده (هرکدام یک روایت). به دلیل عدم غلبه تام یک طیف روایی بر سایر طیف‌ها، به‌طور مشخص نمی‌توان گرایش غالب طبرانی نسبت به روایات ابان را تعیین کرد؛ ازاین‌رو به نظر می‌رسد تأکید طبرانی بیشتر بر جمع این روایات بوده تا گزینش از میان آن‌ها.

روایات فقهی ابان در معاجم طبرانی عبارت‌اند از: روایت درباره مذمت وضوی بعد از غسل (طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۸۶؛ همو، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۴۳؛ همو، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۲۶۷)، نحوه تطهیر کاسه لیسیده شده توسط کلب (همو، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۴۹؛ همو، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۳۳۱)، عدم رضاع بعد از فصال (همو، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۵۸؛ همو، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۳۳۷)، درباره وتر گزاردن پیامبر ﷺ در اول و وسط و آخر شب (همو، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۷۳)، آموزش آداب مشی در راه (استفاده نکردن از یک نعل در راه رفتن بعد از بریده شدن بند یک نعل) (همان، ج ۷، ص ۳۳۰-۳۳۱)، برخی سنن پیامبر ﷺ در نماز. (همو، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۴۲)

روایات اخلاقی عبارت‌اند از: روایت درباره محبوبیت سماع قرآن از دیگران نزد پیامبر ﷺ (همو، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۳۶)، روایت درباره برخی از ویژگی‌های مؤمن (همان، ج ۱، ص ۲۲۲؛ همو، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۷۱)، ادعیه پیش از خفتن (همان، ج ۳، ص ۳۷۱)، درباره عمل (همو، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۷۲-۱۷۳)، اجر فرد دال بر خیر. (همو، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۲۲۵)

روایات تفسیری عبارت‌اند از: روایت در تفسیر آیه ۱۷۸ سوره بقره درباره اتباع از معروف و ادای به احسان (همو، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۷۶؛ همان، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۹۴)، درباره معنای حَفَدَه (نحل، ۷۲) (همو، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۲۲۴)، شأن نزول آیه ۱۲۵ سوره بقره. (همان، ج ۱۲، ص ۴۰۰)

روایات فضایل نیز درباره فضایل امیرالمؤمنین (ع) در خطاب پیامبر ﷺ به ایشان (همو، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۷۱)، دعای پیامبر ﷺ برای امیرالمؤمنین ﷺ هنگام فرستادن ایشان به یمن برای قضاوت (همان، ج ۴، ص ۱۷۲)، رساندن سلام پیامبر ﷺ و نیز بوسیدن امام باقر ﷺ توسط جابر بن عبدالله (همان، ج ۶، ص ۱۳-۱۴) است.

روایات با موضوعات دیگر دربرگیرنده روایت سیره درباره دشواری نبرد روز بدر از امیرالمؤمنین ﷺ (همو، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۷۱-۳۷۲)، روایت تاریخی درباره رسیدن خبر شکستن سفینه بنی عم تمیم داری به پیامبر ﷺ (همو، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۴۰۱) روایت طبی درباره «کماء» {سماروغ} (همو، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۵۴)، روایت درباره وقایع آینده [هلاکت کسری و قیصر و انفاق گنج‌های ایشان از سوی مسلمانان] است. (همو، ۱۴۰۵ق،

ج ۲، ص ۱۱؛ همو، ۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۰۳)

۳-۲-۱. مواجهه سایر محدثان (جز طبرانی) با روایات ابان بن تغلب در سده چهارم

در ادامه به روایات ابان در سایر کتب حدیثی در سده چهارم خواهیم پرداخت:

علی بن نصر طوسی (د ۳۱۲ق)، ۱ روایت اخلاقی و ۱ اعتقادی از ابان نقل کرده است. هر دو روایت در سند از شعبه تا پیامبر ﷺ یکسان و سلسه سند پس از شعبه و در طبقه مشایخ مؤلف متفاوت است. روایت اول در «باب فی الکبر» درباره کبر (طوسی، ۴۱۵ق، ج ۶، ص ۲۷۲) و روایت دوم در باب «ما جاء لا یدخل النار من کان فی قلبه مثقال ذره من الایمان» علاوه بر بخش عدم ورود متکبر به بهشت در روایت اول دارای قسمت دومی درباره عدم ورود مؤمن به آتش است. (همان، ج ۷، ص ۸۲) با توجه به طیف‌های منقول از ابان، مؤلف گرایشی اخلاقی-اعتقادی نسبت به روایات ابان داشته است.

سراج ثقفی (د ۳۱۳ق) در مسند خود یک روایت فقهی درباره نماز جماعت (سراج ثقفی، ۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۰۷) از ابان نقل کرده که نشان‌دهنده مواجهه فقهی او با روایات ابان است.

ابوعوانه اسفراینی (د ۳۱۶ق) در مستخرج خود دو روایت اخلاقی و یک روایت اعتقادی از ابان نقل کرده است. بنابراین رویکرد غالب مؤلف نسبت به روایات ابان اخلاقی بوده است. دو روایت اخلاقی یکی درباره «عدم ورود مؤمن به آتش و عدم ورود متکبر به بهشت» در «کتاب الایمان» در باب «بیان المعاصی اذا قالها العبد او عملها لم یدخل الجنة بمعصيته» آورده شده است. (ابوعوانه اسفراینی، ۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۹) عنوان این باب، کبر را به عنوان یک مسئله اخلاقی در نگاه مؤلف معرفی کرده است. روایت دیگر در «کتاب الحدود» درباره سیره پیامبر ﷺ در توصیه به تقوای الهی به فرماندهان لشکر (همان، ج ۴، ص ۲۰۵) و روایت سوم نیز روایتی اعتقادی درباره ظلم و شرک بوده که در «کتاب الایمان» بیان شده است. (همان، ۴۱۹ق، ج ۱، ص ۷۴)

چاچی (د ۳۳۵ق) با نقل دو روایت فقهی (۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۱؛ همان، ص ۳۵۶) و یک روایت اخلاقی (همان، ج ۱، ص ۳۴۶) از ابان بن تغلب گرایش بیشتری به نقل روایات فقهی او داشته است.

ابن اعرابی (د ۳۴۰ق) در معجم، شش روایت از ابان نقل کرده است. از آنجا که وی

روایتی فقهی از ابان نقل نکرده، می‌توان بیان کرد که وی در گزینش روایات ابان گرایش فقهی نداشته است. او ۲ روایت تفسیری، ۱ اعتقادی، ۱ اخلاقی، ۱ روایت درباره قرائات و ۱ روایت طبی از ابان نقل نموده است. محتوای آن‌ها عبارت‌اند از: شأن نزول آیه ۱۲۵ سوره بقره (ابن اعرابی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۸۸)، فضیلت سوره توحید (همان، ج ۳، ص ۱۰۶۷)، روایتی طبی (همان، ج ۱، ص ۱۹۱)، روایت اخلاقی کبر و ایمان (همان، ج ۱، ص ۱۹۲) روایتی اعتقادی درباره اهل درجات العلی با اندکی تفاوت در سند و متن در دو جایگاه (همان، ص ۴۰۳؛ همان، ج ۳، ص ۸۹۸) و روایتی درباره قرائات. (همان، ج ۱، ص ۴۰۳)

ابن حبان (د ۳۵۴ق) با آوردن روایتی اعتقادی و دیگری فقهی و همچنین با توجه عناوین باب‌ها، رویکردی فقهی-اعتقادی در مواجهه با روایات ابان بن تغلب داشته است. به ترتیب روایت اول ذیل باب «ما جاء فی الشرك والنفاق» (ابن حبان، ۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۸۷) و دومی در باب «جلود المیتة» آمده است. (همان، ج ۴، ص ۹۳)

ابوبکر اسماعیلی (د ۳۷۱ق) دو روایت فقهی از ابان نقل کرده است. روایت اول درباره تلبیه (ابوبکر اسماعیلی، ۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۳۰) و روایت دوم درباره مالکیت پدر بر مال و جان فرزند است. (همان، ج ۳، ص ۸۰۶)

ابن مقرئ (د ۳۸۱ق) در معجم خود سه روایت در موضوعات فقهی، اعتقادی و تفسیری از ابان نقل کرده است. روایت اول با موضوع فقهی درباره برخی احکام میت (ابن مقرئ، ۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۸) روایت دوم با موضوع اعتقادی درباره ظلم و شرک (همان، ج ۱، ص ۱۲۳) و سومی روایتی تفسیری درباره جایگاه نزول سوره بقره. (همان، ج ۱، ص ۱۵۳)

دارقطنی (د ۳۸۵ق) در سنن، گرایش فقهی خود را با گزینش پنج روایت فقهی و یک روایت اخلاقی از ابان نشان داده است. روایات فقهی عبارت‌اند از: روایت مرتبط با مسح در «کتاب الطهارة» (دارقطنی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۹۱)، روایت مربوط به دیه غیرمسلمان از امیرالمؤمنین علیه السلام در «کتاب الحدود و الدیات» (همان، ج ۳، ص ۱۴۷)، روایت ابان از امام صادق علیه السلام درباره سه مرتبه طلاق دادن در «کتاب الطلاق و الخلع و...» (همان، ج ۴، ص ۴۵)، روایت ابان از امام صادق علیه السلام از پدرشان امام باقر علیه السلام درباره وصیت در «کتاب

الوصایا» همان، ج ۴، ص ۱۵۲) و روایت فقهی دیگر درباره «گواهی و شهادت یک فرد» که ابان [با واسطه] از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است. (همان، ج ۴، ص ۲۳۳) روایت اخلاقی نیز درباره دائم القنوت بودن پیامبر صلی الله علیه و آله در «کتاب الوتر» مطرح شده است. (همان، ج ۲، ص ۴۱)

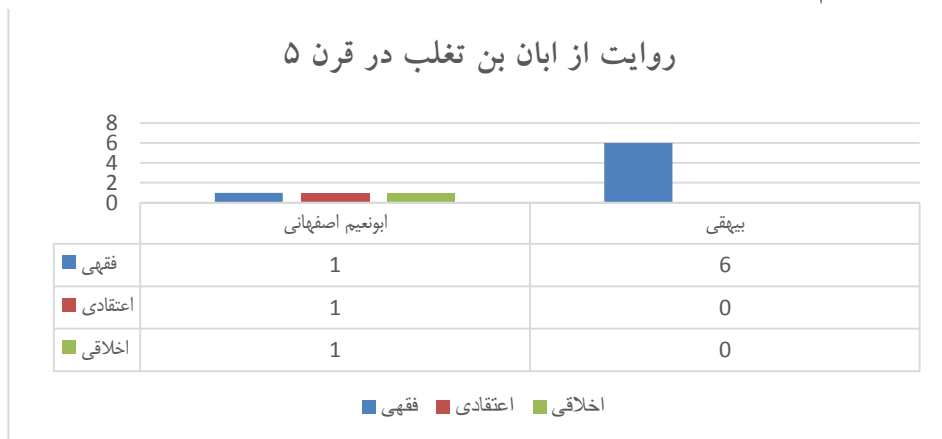
حاکم نیشابوری (د ۴۰۵ق) نیز در مستدرک خود سه روایت در موضوعات تفسیر، قرائات و اخلاق از ابان نقل کرده است. روایت تفسیری در «کتاب التفسیر» در ذیل عنوان «تفسیر سورة النحل» درباره معنای حفده در آیه ۷۲ سورة نحل (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۸۷) و روایت درباره قرائات در همان کتاب در ذیل عنوان «تفسیر سورة القمر» درباره نحوه قرائت آیه ۷ سورة قمر است. (همان، ج ۲، ص ۵۱۴) آوردن این روایت در ذیل این کتاب و عنوان به این معناست که مؤلف روایات درباره قرائات را تفسیری دانسته است. روایت اخلاقی نیز در «کتاب اللباس» درباره زیبایی خدا و دوست داشتن زیبایی از سوی اوست. (همان، ج ۴، ص ۲۰۱)

۳-۳. مواجهه با روایات ابان بن تغلب در سده پنجم

در سده پنجم، با کاسته شدن از نگارش‌های حدیثی، شاهد کاهش در کمیت و گونه‌های روایی منقول از ابان هستیم به طوری که گرایش محدثان در این سده بیشتر به گزینش روایات فقهی ابان معطوف شده است.

نمودار ذیل نشان‌دهنده گونه‌ها و کمیت روایات ابان در آثار محدثین اهل تسنن در

سده پنجم است:



همان‌طور که در نمودار قابل مشاهده است در این سده شاهد نقل ۷ روایت فقهی، ۱ اعتقادی و ۱ اخلاقی هستیم؛ در ادامه به جزئیات آن‌ها خواهیم پرداخت.

ابونعیم اصفهانی (د ۳۳۰ق) در مستخرج خود سه روایت اخلاقی، اعتقادی و فقهی از ابان روایت کرده است. روایت اخلاقی درباره «کبر» (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۶۶-۱۶۷)، روایت اعتقادی درباره ظلم و شرک (همان، ج ۱، ص ۹۳) و روایت فقهی نیز درباره برخی آداب نماز جماعت است. (همان، ج ۲، ص ۹۰)

بیهقی (د ۴۵۸ق) شش روایت فقهی از ابان نقل کرده که گزینش این گونه روایی و همچنین عناوین کتاب‌ها و باب‌ها، بیانگر رویکرد و مواجهه فقهی او با روایات ابان است. وی در دو اثر خود این روایات را از ابان نقل کرده است؛ در *معرفة السنن و الآثار*، در «کتاب الصلاة» روایتی درباره نماز جماعت (بیهقی، بی تا، ج ۱، ص ۵۷۷) و روایت دیگر در «کتاب الجروح» درباره حکم قتل عمد اهل ذمه توسط مسلمان است (همان، ج ۶، ص ۱۵۰)؛ که همین روایت در سنن کبری هم بیان شده است. (همو، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۴)

روایات فقهی دیگر در سنن کبری شامل روایتی درباره صید در «کتاب الحج» (همان، ج ۵، ص ۱۸۶)، روایتی درباره برخی احکام مُحَرَّم در عمره در همین بخش (همان، ج ۵، ص ۲۲۱)، روایت ابان درباره وصیت از امام صادق علیه السلام از پدرشان از پیامبر صلی الله علیه و آله در «کتاب الاقرار» (همان، ج ۶، ص ۸۵)، روایت دیگر نیز درباره خراج در «کتاب السیر» و باب «قدر الخراج الذی وضع علی السواد» آمده است. (همان، ج ۹، ص ۱۳۷)

۴. دلایل درون‌متنی و برون‌متنی رویکردها به روایات ابان

با در نظر گرفتن «متن» به عنوان مقسم، می‌توان دلایل گرایش و نیز غلبه برخی از رویکردها بر برخی دیگر را به دو دسته درون‌متنی و برون‌متنی تقسیم کرد. در بخش دلایل درون‌متنی با استفاده از روش حلقه مشترک و رسم نمودار درختی دو نمونه از روایاتی که در جوامع و مسانید تکرار شده‌اند، اهمیت حلقه‌های مشترک را در نقل گسترده این روایات در کتب مذکور پی‌جویی خواهیم کرد. در بخش دلایل برون‌متنی نیز به‌علل نقل گونه‌های روایی گسترده از ابان بر اساس شواهد برون‌متنی خواهیم پرداخت. این شواهد را می‌توان در شخصیت علمی وی، انگیزه‌های عام جوامع و مسانیدنویسانی

که طیف فقهی را بر سایر طیف‌های منقول از ابان ترجیح داده‌اند، پی‌جویی نمود. به‌علاوه انگیزه خاص بخاری در عدم نقل از ابان و طبرانی در نقل پرشمار از وی در متنوع‌ترین گونه‌ها نیز با استفاده از شواهد برون‌متنی پی‌جویی خواهد شد.

۴-۱. دلایل درون‌متنی رویکردهای غالب به روایات ابان

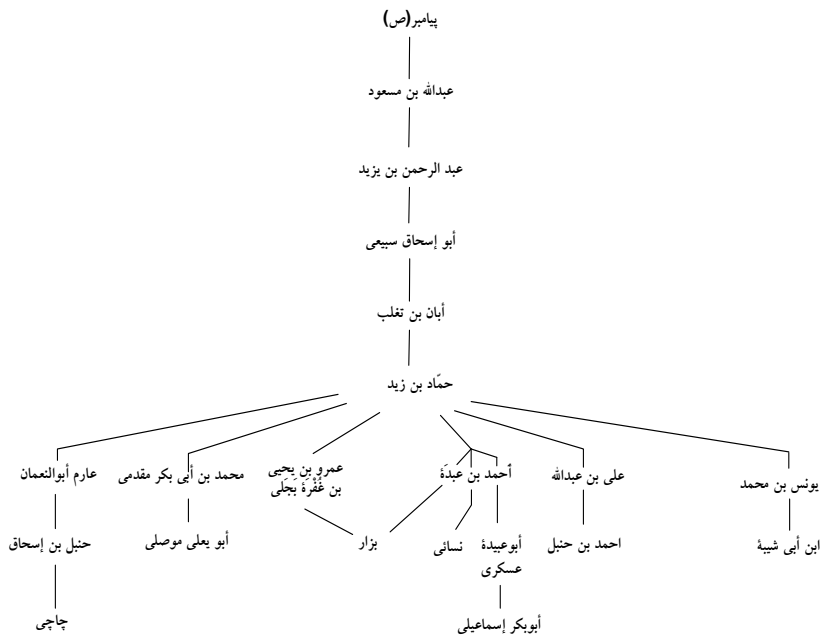
با توجه به نمودارها در قسمت معرفی روایات، رویکرد غالب محدثان اهل تسنن به روایات ابان از سنخ رویکرد نقل روایات فقهی و سپس اخلاقی بوده است. در این زمینه، روش ابتدایی ما بررسی متن خواهد بود. البته مراد ما از بررسی متن بررسی محتوای احادیث نیست، بلکه آنچه مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت سند احادیث خواهد بود. ارزیابی سندی می‌تواند راهگشای مؤثری برای فهم علت نقل گسترده و به‌ویژه درک چرایی تکرار روایات، به‌خصوص در دو طیف مذکور باشد.^{۱۱} در این راستا در ارزیابی روایت از روش «حلقه مشترک»^{۱۲} بهره خواهیم گرفت. این اصطلاح برای تبیین پدیده‌ای خاص در سند احادیث وضع شد؛ در نگاه خاورشناسان اصطلاح مذکور معمولاً به این معناست که اسناد گردهم‌آمده از یک روایت واحد در طبقه سوم و چهارم پس از پیامبر ﷺ به یک راوی مشترک ختم می‌شوند و پس از آن از طریق منفرد به پیامبر ﷺ می‌رسد. (نک: آقایی، ۱۳۹۱ش، ص ۶۰) یوزف شاخت^{۱۳} (د ۱۹۶۹م) به‌عنوان مبدع این اصطلاح کوشید بر مبنای حلقه مشترک زمان پیدایش احادیث را مشخص کند. (نک: آقایی، ۱۳۸۹ش، ص ۲۷) البته برخی از مستشرقان پس از وی، کاملاً از روش او تبعیت نکردند و حلقه مشترک را به طور مطلق به‌معنای جاعل و پدیدآورنده روایات تلقی نمودند. ایشان فرضیه وجود دو نوع تاریخ‌گذاری^{۱۴} را مطرح کردند: یکی بر مبنای صدور و پیدایش در زمان پیامبر ﷺ و دیگری بر مبنای زمان رواج آن روایت. این دیدگاه دربرگیرنده نگاه مستشرقانی چون فان‌اس^{۱۵}، گرگور شولر^{۱۶} و هارالد موتسکی^{۱۷} است؛ ایشان با توجه به سنت مطالعه حدیث مسلمین و نیز مواجهه با برخی از اشکالات نظریه اول با نشان دادن نمونه‌هایی در احادیثی خاص امکان تاریخ‌گذاری در سده اول هجری را مطرح نمودند. (Motzki, 2016) در این مطالعه، نگاه موتسکی به حلقه مشترک مورد توجه خواهد بود. موتسکی در این زمینه از حلقه مشترک با اصطلاح مدوّن اولیه روشمند^{۱۸} یاد می‌کند که به‌طور تخصصی در حلقه‌های درسی، روایات را به شاگردانش

منتقل کرده است. (Ibid) از این رو با یافتن حلقه مشترک دو نمونه از روایات تکراری در دو گونه فقهی و اخلاقی، اهمیت و برجستگی نقش حلقه مشترک در غلبه کمی این گونه روایات نشان داده خواهد شد.

۴-۱-۱. دسته اول: طیف روایات فقهی

با مطالعه بخش معرفی روایات ابان می توان به نقش روایات تکراری در گسترش کمی این طیف روایی پی برد. از این رو نقش حلقه های مشترک در گسترش این روایات در جوامع و مسانید غیرقابل انکار است. در نمونه ذیل یکی از احادیث فقهی تکرار شده در جوامع و مسانید متعدد (که دارای حلقه مشترک است)، از میان سایر احادیث فقهی تکراری انتخاب و نمایش داده شده است.

در نمودار درختی ذیل مشاهده می شود که «حماد بن زید» (د ۱۷۹ق) حلقه مشترکی است که روایت «تلبیه» منقول از ابان را از طریق ۶ واسطه مستقیم، در ۷ جامع و مسند حدیثی اهل تسنن روایت کرده است. با توجه به نظر موتسکی، می توان بیان نمود که حماد بن زید به عنوان حلقه مشترک، اولین کسی بوده است که به طور روشمند پس از تدوین این روایت فقهی، آن را در حلقه های درسی خود به شاگردانش منتقل کرده است. شخصیت علمی حماد در نزد اهل تسنن بسیار برجسته است به نحوی که وی در بصره در کنار افرادی چون سفیان ثوری در کوفه، مالک در حجاز، اوزاعی در شام به عنوان یکی از ائمه چهارگانه زمان خود شناخته شده است. (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۴۵۸) همطراز قرار گرفتن وی با برخی از ائمه فقهی اهل تسنن نیز نشان دهنده جایگاه فقهی وی است؛ بنابراین به نظر می رسد نقل این روایت فقهی به طور گسترده، مرتبط با گرایش فقهی وی بوده است.



نمودار درختی اسناد روایت تلبیه

مسئله تکرار روایات فقهی با اسناد مختلف در جوامع اهل تسنن از سوی افرادی چون حماد بن زید و راویان دیگری چون شعبه (د ۱۶۰ق) (مثلاً در روایت تکبیر در مواقع مختلف نماز) و سفیان بن عیینه (د ۱۹۷ق) (روایت مسح)، به علاوه تنوع نقل روایات فقهی که از سوی افرادی چون شعبه (روایت تکبیر و نیز روایت برخی از احکام صید)^{۱۹}، جریر بن حازم (د ۱۷۰ق) (در روایات عتق و روایتی درباره برخی احکام حج)^{۲۰} و... نقل شده، می‌تواند از عوامل غلبه این رویکرد محسوب گردد.

۴-۱-۲. دسته دوم: طیف روایات اخلاقی

کاربرد حلقه مشترک در نقل این دست روایات از ابان بسیار مشهود است. بر این اساس فقط یک روایت اخلاقی کبر با اسناد متعدد در کتب مختلف به نحو وسیع تکرار شده است.

نمودار درختی ذیل نشان‌دهنده نحوه پراکندگی اسناد روایت کبر منقول از ابان می‌باشد:

همان طور که در نمودار درختی بالا قابل مشاهده است، «یحیی بن حمّاد» (د ۲۱۵ق) با واسطه شعبه از ابان بن تغلب، روایت اخلاقی کبر را با ۱۵ واسطه مستقیم در ۹ جامع و مسند اهل تسنن روایت کرده است.

به دلیل وجود طریق دیگری به ابوداود از طریق شعبه، که با ۳ واسطه مستقیم در ۲ کتاب حدیثی گرد آمده، به طور دقیق نمی‌توان روایت اخلاقی کبر را در چهارچوب تعریف حلقه مشترک قرار داد ولی با تسامح می‌توان آن را یکی از نمونه‌های بارز تأثیر حلقه مشترک در نشر و رواج یک روایت دانست. با توجه به فرضیه موتسکی، می‌توان بیان کرد که «یحیی بن حمّاد» جزو مهم‌ترین کسانی بوده که پس از تدوین این روایت اخلاقی، آن را در حلقه‌های درسی خود به شاگردانش منتقل نموده است.

تنها همین یک روایت اخلاقی تکرار شده در جوامع و مسانید مختلف اهل تسنن می‌تواند گویای علت فراوانی روایات اخلاقی منقول از ابان باشد. به علاوه به نظر می‌رسد شخصیت یحیی بن حماد نیز به عنوان محدثی کثیر الحدیث و عابد مسلک در نقل گسترده این روایت اخلاقی بی‌تأثیر نبوده است. (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۱۴۰)

۲-۴. دلایل برون‌متنی رویکردهای گوناگون به روایات ابان

ابان بن تغلب به عنوان شخصیتی ذوجوه، در زمینه‌های گوناگون علمی دارای کتاب بوده است؛ آثار وی عبارت‌اند از: *غریب القرآن* (احتمالاً وی اولین نفری است که در این موضوع تصنیف داشته)، *القراءات*، *صفین*، *الفضائل و معانی القرآن*. (زرکلی، ۲۰۰۲م، ج ۱، ص ۲۶-۲۷) با توجه به این آثار که نشان‌دهنده ذوجوه بودن «شخصیت علمی» اوست، وجود روایات، در طیف‌های گوناگون از وی قابل توجیه است.^{۲۱}

در ادامه به دلایل برون‌متنی انگیزه‌های عام غلبه رویکرد فقهی بر سایر رویکردها، عدم نقل بخاری و نیز نقل پرشمار در گسترده‌ترین طیف‌ها از سوی طبرانی خواهیم پرداخت.

۱-۲-۴. دلایل برون‌متنی غلبه رویکرد فقهی بر سایر رویکردها

با آنکه ابن‌ادریس حلی (د ۵۹۸ق) در *سرائر* (۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۶۳-۶۷) و به تبع وی فان اس در مدخل ابان بن تغلب کتاب خود (Van Ess, 2017, p. 392) به برجای ماندن اصلی فقهی از ابان اشاره می‌کنند، به نظر می‌رسد می‌بایست به تعلیقه سید موسی شبیری

زنجانی در تعلیقه کتاب سرائر (۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۶۳) درباره خلط دو ابان، یکی ابان بن تغلب (د ۱۴۱ق) و دیگری احتمالاً ابان بن محمد البجلی (د سده سوم) (به دلیل سند موجود در اصل که نشان دهنده فاصله زمانی تا امام صادق علیه السلام است) توجه کرد؛ بنابراین نمی توان این اصل فقهی را به ابان بن تغلب منتسب نمود. با این حال وی در عصر خود، به عنوان یک شخصیت سرشناس فقهی مطرح بوده است. (نک: خانی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۰-۱۱)

با آنکه روایات فقهی موجود از ابان در منابع شیعی حدود یک پنجم سایر طیف های روایی گزارش شده از وی است (نک: همان، ص ۲۸) در جوامع و مسانید اهل تسنن روایات فقهی وی بر سایر روایات او غلبه دارد. در این موضوع یکی از علل دیگری که به نظر می رسد، مسئله اساتید عامی ابان است ولی از آنجا که این موضوع مرتبط با متن با روش حلقه مشترک هم راستا نبود از ذکر و تفصیل آن صرف نظر نمودیم.

در ادامه از بررسی شخصیت فقهی ابان فاصله گرفته و انگیزه های احتمالی نویسندگان جوامع و مسانید اهل تسنن را مطرح خواهیم کرد. به نظر می رسد انگیزه اصلی غلبه رویکرد فقهی، سبک نگارش عمومی این کتب یا گونه تبویب (نک: پاکتچی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۲۸-۲۱) غالب کتب جوامع و مسانید است. گونه تبویب غالب این کتب، ما را مجاب می کند که هدف نویسندگان از نگارش آنها غالباً فقهی بوده است. به علاوه نقل از بزرگان در این آثار مهم تلقی می شده و در صورت عدم نقل گاهی از چرایی آن پرسش صورت می گرفته است. (نک: خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۱) بنابراین انتظار این است که در صورت نقل از ابان به عنوان شخصیتی مهم، در غالب آنها نقل روایات فقهی از او اولویت داشته باشد. با توجه به مسائل مطرح شده، نمی توان این رویکرد فقهی را به دلیل غلبه واقعی روایات فقهی ابان دانست بلکه می توان آن را غلبه ای به سبب نوع گزینش صاحبان جوامع و مسانید دانست.

۲-۲-۴. دلایل عدم نقل بخاری از ابان

از تتبع در کتاب بخاری به دست می آید که شروط صحت نزد وی اتصال اسناد، وثاقت روات و سلامت روایت از علل است. (جدیع، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۸۸۰) در خصوص این شروط، ادعا این است که بخاری در نقل روایت از ثقات دارای اعلی درجه وثاقت، تعمّد

داشته و از نقل روایت افرادی که در موردشان ظن یا شبهه داشته احتراز نموده است. (همان، ج ۲، ص ۸۸۱) محمد بن طاهر مقدسی می‌گوید: شرط بخاری و مسلم این بوده که حدیث متفق بر وثاقت نقل به صحابی مشهور را روایت کنند به نحوی که بین این ثقات اثبات، اختلافی در نقل وجود نداشته باشد...، جز اینکه مسلم در کتاب خود احادیث راویان استواری را روایت کرده که بخاری روایت از آن‌ها را ترک نموده است و دلیل این عدم نقل، شبهه‌ای است که در نفس بخاری پدید آمده بود ولی مسلم با ازاله این شبهه، از ایشان روایت نقل کرده است. برای مثال بخاری از افرادی چون حماد بن سلمه، سهیل بن ابی صالح، داود بن ابی هند، ابوالزبیر، علاء بن عبدالرحمن و... روایتی نقل نکرده ولی مسلم از آن‌ها روایت نقل کرده است. (همان، ج ۲، ص ۸۸۸)

با توجه به دیدگاه رجالی بخاری که در بالا ذکر شد می‌توان به این نتیجه رسید که ابان بن تغلب نیز جزء افرادی بوده است که بخاری درباره وی شبهه داشته و نتوانسته شبهه در خصوص این شخصیت شیعی را برطرف کند. خطیب بغدادی (د ۴۶۳ق) از ابو عبدالله بن احرم که از جهت تخصص در حدیث به حافظ موصوف شده، نقل کرده که از وی درباره چرایی ترک حدیث ابوالطفیل عامر بن وائله از سوی بخاری پرسیده شد که در پاسخ می‌گوید: دلیل عدم نقل از او، افراط ابوالطفیل در تشیع است. (خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۱) با کمک توضیح ابن احرم می‌توان به این نتیجه رسید که بخاری مذهب را شرط صحت روایت می‌دانسته و شبهه و انگیزه بخاری در عدم نقل از ابان، همان تشیع وی بوده است. البته به نظر می‌رسد این شبهه یا انگیزه شرط دانستن مذهب در صحت روایت آنچنان در نزد بخاری اهمیت داشته است که به ابان و همطرازان وی محدود نشده و حتی شخصیت‌های بزرگی چون امام صادق علیه السلام را که نه تنها در شیعه بلکه در نزد اهل تسنن نیز جایگاه علمی ویژه‌ای دارند، در بر گرفته و بخاری در جامع الصحیح خود از ایشان روایتی نقل نکرده است. (نک: ذهبی، ۱۴۰۶ق، ص ۶۰)

۴-۲-۴. دلایل نقل پرشمار طبرانی در گسترده‌ترین طیف‌ها از ابان

ابوالقاسم طبرانی یکی از محدثان بزرگ اهل تسنن و صاحب آثار متعدد از جمله معاجم سه‌گانه است. (نک: همو، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۱۱۹) برای درک بهتر یکی از دلایل برون‌متنی چرایی نقل گسترده طبرانی از ابان، به نظر بیان ساختار معاجم سه‌گانه وی

پراهمیت است.

«معاجم» جمع «معجم»، در اصطلاح محدثان به کتبی گفته می‌شود که روایات در آن براساس ترتیب شیوخ می‌آید و غالباً براساس ترتیب حروف هجاء مرتب می‌گردد؛ به این نحو که مؤلف معجم به نقل روایات از شیوخ خود به‌عنوان مثال ابتدا از ابان، سپس از ابراهیم، و... [بر اساس حروف هجاء] می‌پردازد که مشهورترین مصنفات درباره این‌گونه کتب عبارت‌اند از: معاجم سه‌گانه طبرانی. (عتر، ۱۴۱۸ق، ص ۲۰۳) ساختار این معاجم به نحو ذیل است:

۱. معجم کبیر: طبرانی در آن، مسانید صحابه را بر اساس حروف معجم [به‌جز مسند ابوهریره که آن را در تصنیفی مجزا آورده] گرد آورده است و در مجموع ۵۲۰ هزار روایت در آن گرد آمده است. «معجم کبیر» بزرگ‌ترین معجم است و نزد دانشمندان مراد از معجم علی الاطلاق «معجم کبیر طبرانی» است.

۲. معجم اوسط: طبرانی آن را بر اساس اسامی شیوخش مرتب کرده است که تعداد این اسامی به حدود ۲۰۰۰ نفر می‌رسد.

۳. معجم صغیر: طبرانی در آن بر اساس سبک معجم اوسط، حدود ۱۵۰۰ روایت از ۱۰۰۰ شیخ را گرد آورده است. (مزید، بی‌تا، ص ۴۱۹)

توجه به چنین ساختاری در معجم طبرانی (گردآوری حجم وسیعی از منابع روایی در یک اثر) می‌تواند به‌عنوان یکی از زمینه‌های نقل گسترده از ابان مطرح باشد؛ یعنی ساختار این معجم به‌گونه‌ای است که نیازمند گردآوری حجم پرشماری از روایات در تمام طیف‌ها و گونه‌های موجود از راوی است. در زمینه دوم نیز می‌توان به شخصیت و وسعت علمی طبرانی اشاره کرد که موجب تعامل وی با شیوخ متعدد حدیثی از جمله شیعیان (به‌معنای عام نه خاص امامیه) شده است. نمونه‌هایی از این تعاملات، گفت‌وگو و بحث وی با ابن طباطبا العَلَوی (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۱۲۳) و دیگری ماجرای مباحثه میان ابن ابی السَّرِّی و ابن عَقْدَه کوفی (د ۳۳۲ق) است که در پایان ابن عقده وی را به فراگرفتن روایت از طبرانی در اصفهان دعوت می‌کند، زیرا «من (ابن عقده) از وی (طبرانی) سماع کرده و او (طبرانی) نیز از من (ابن عقده) سماع کرده است». (همان، ص ۱۲۵)^{۲۲} بنابراین به‌طور مختصر می‌توان ویژگی مقتضی معجم مذکور و دیگری نوع شخصیت

علمی طبرانی را (که موجب تعامل روایی او با بسیاری از شیوخ حدیث شده)، به عنوان دو عامل مهم برون متنی نقل پرشمار وی در متنوع‌ترین طیف‌ها از ابان تلقی نمود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رویکرد غالب محدثان اهل تسنن در مواجهه با روایات ابان بن تغلب، رویکردی از سنخ قبول و پذیرش روایات وی بوده است. انگیزه‌های عمومی نقل ایشان را می‌توان زمینه‌های مختلفی چون جایگاه و شخصیت علمی تأثیرگذار ابان، نقل او از بزرگان اهل تسنن و شیعه، نقل ایشان از وی و به عبارت دیگر اعتماد به وی - که موجب نقل نزدیک به ۱۰۰ روایت از او توسط عموم محدثان اهل تسنن شده - و... دانست. یکی از مسائل مهمی که این مطالعه در پی پاسخ به آن است، پاسخی درون‌متنی به چرایی نقل گسترده گونه روایی فقهی و سپس اخلاقی از ابان است که با بررسی دو نمونه روایت تکرار شده در دو گونه مذکور، در جوامع و مسانید اهل تسنن و با استفاده از روش حلقه مشترک و رسم نمودار درختی و بهره‌گیری از نگاه موتسکی، تلاش شد که به این موضوع پاسخ داده شود. در روایات فقهی مسئله تکرار روایات و وجود حلقه مشترک روایانی چون حماد بن زید (در روایت تلبیه) و نیز راویان مهمی چون شعبه و... (در اسناد روایات تکرار شونده چون تکبیر در مواقع مختلف نماز) در غلبه طیف روایی فقهی مشهود بوده است. به علاوه گستردگی و غلبه طیف روایی اخلاقی (بعد از طیف فقهی) مرهون افرادی چون یحیی بن حماد است و با تسامح می‌توان وی را حلقه مشترک این طیف روایی با نویسندگان جوامع و مسانید اهل تسنن دانست. مسئله بعدی در این مطالعه، انگیزه‌های برون‌متنی نقل طیف‌های متنوع، چرایی غلبه طیف روایی فقهی، عدم نقل بخاری و نیز نقل پرشمار در گسترده‌ترین طیف‌های روایی از سوی طبرانی است؛ که به ترتیب می‌توان شخصیت ذو‌جوه ابان را عامل اصلی نقل طیف‌های متنوع روایی از وی، نوع نگاه نویسندگان در نگارش و تبویب این کتب (که غالباً دارای تبویبی فقهی بودند) را عامل غلبه طیف روایی فقهی، دامنه محدود نگاه رجالی بخاری را انگیزه اصلی عدم نقل وی و همچنین سبک نگارش معاجم و شخصیت علمی طبرانی را از عوامل نقل پرشمار در متنوع‌ترین طیف‌ها از ابان دانست.

پی‌نوشت‌ها

1. Van Ess, 2017, p. 392

۲. ضیائی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۳۴۴-۳۴۶.

۳. این مطالعه فقط به بررسی کتب سته و سایر جوامع و مسانید اهل تسنن به‌علاوه کتب حدیثی که سبکی شبیه به کتب مذکور همچون مصنف‌ها و معاجم دارند می‌پردازد و به بررسی روایات ابان در دیگر گونه‌های کتب تا سده پنجم نخواهد پرداخت. (برای اطلاع بیشتر از روایات ابان در کتبی غیر از جوامع و مسانید، برای نمونه نک: صنعانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۶۲؛ فاکهی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۳)

۴. التفات به این نکته حائز اهمیت است که با توجه به عنوان مقاله که درباره‌ی گونه‌شناسی روایات ابان بن تغلب در جوامع روایی اهل تسنن تا سده پنجم هجری است، تکرار یک روایت در آثار مؤلفان (نه در تألیفات یک مؤلف) نادیده گرفته شده است. به‌علاوه مؤلفان کتب حدیثی تا دهه اول هر سده، در شمار مؤلفان سده پیشین در نظر گرفته شده‌اند (که البته تأثیر چشمگیری در نتایج کلی نمودارها نداشته است).
۵. این اعتماد سبب نقل نزدیک به ۱۰۰ روایت از او در آثار جماعت (عموم دانشمندان اهل تسنن) شده است.

۶. در بخش دلایل درون‌متنی با استفاده از روش حلقه مشترک و نیز نمودار درختی در دو نمونه روایی مذکور به چرایی نقل گسترده این دو طیف پاسخ داده خواهد شد.

۷. البته مسئله تکرار در روایات منحصر به این دو طیف روایی نیست بلکه در سایر طیف‌ها نیز دیده می‌شود.

۸. روایت درباره «تلبیه» از حماد بن زید از ابان.

۹. روایت درباره «عتق عبد» از جریر بن حازم از ابان.

۱۰. روایت درباره «مسح» به نقل از سفیان بن عیینه از ابان.

۱۱. تأکید بر دو طیف فقهی و اخلاقی به معنای عدم تکرار در سایر طیف‌ها نیست بلکه با مراجعه به قسمت معرفی روایات ابان در سایر طیف‌ها نیز می‌توان روایات تکراری دیگری از وی مشاهده کرد.

12. Common Link

13. Joseph Franz Schacht

14. Dating

15. Josef van Ess

16. Gregor Shoelors

17. Harald Motzki

18. Early Systematic Collector

۱۹. شعبه در طیف‌های مختلف روایی نیز از ابان روایت نقل کرده است؛ برای نمونه روایت تفسیری ابن ابی شیبه از ابان در «کتاب النکاح» درباره تفسیر آیه ۵۰ سوره احزاب و روایت اخلاقی کبر.

۲۰. برای پیگیری ارجاعات، به قسمت معرفی روایات در مقاله مراجعه شود.

۲۱. فان اس در مدخل ابان بن تغلب، وی را این‌گونه توصیف می‌کند: ابوسعید ابان بن تغلب بن رباح

البکری (د ۱۴۱ق)، او کتاب غریب القرآن را که احتمالاً قدیمی‌ترین اثر در نوع خود است، نگاشت. قسمتی از اصلی فقهی از او - تا امروز - برجای مانده است. وی همچنین به نحو و شعر علاقه داشت. در میان اهل تسنن به عنوان فردی مورد اعتماد شناخته می‌شود؛ اما به طور طبیعی به دلیل تشیّع نتوانست زبانش را از ابراز علاقه و تفضیل حضرت علی علیه السلام بر عثمان بازدارد. کتاب الفضائل او احتمالاً شامل روایاتی در مدح علی علیه السلام است. (Van Ess, 2017, p. 392)

۲۲. به علاوه، محتوای این بحث دونفره می‌تواند مؤید دیگری بر امکان تعامل طبرانی با شیوخ شیعی یا متشیّع حتی در اصفهان باشد؛ زیرا در این بحث، ابن ابی السری که اهل اصفهان است، در پاسخ به ابن عقده که اصفهان را مرکز تجمع نواصب و شیعیان معاویه می‌نامد، این مسئله را انکار کرده و در آنجا، عده‌ای را از متشیعان و شیعیان علی علیه السلام (شیعه به معنای عام) می‌داند. (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۱۲۳) از این رو امکان تعامل طبرانی با متشیعان و اخذ روایت از ایشان حتی در اصفهان نیز وجود داشته است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقایی، سید علی، «حلقه مشترک و پیوند آن با اصطلاحات حدیثی»، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۵، ۱۳۹۱ش، ص ۹۸-۵۹.
۳. آقایی، سید علی، «پدیده حلقه مشترک در سندهای روایات، تبیین و تحلیل»، مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۷، ۱۳۸۹ش، ص ۵۱-۲۵.
۴. ابن ابی شیبیه، المصنف، به کوشش کمال یوسف الحوت، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
۵. ابن ابی شیبیه، مسند، به کوشش عادل بن یوسف العزازی و احمد بن فرید المزیدی، ریاض: دار الوطن، ۱۹۹۷م.
۶. ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، به کوشش موسوی و ابن مسیح، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی قم، ۱۴۱۰ق.
۷. ابن اعرابی، ابوسعید احمد بن محمد، المعجم، عبد المحسن بن ابراهیم بن احمد الحسینی، عربستان: دار ابن الجوزی، ۱۴۱۸ق.
۸. ابن جعد، علی، مسند، به کوشش عامر احمد حیدر، بیروت: مؤسسه نادر، ۱۴۱۰ق.
۹. ابن حبان، محمد، صحیح، به کوشش شعیب الأرئوط، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۴ق.
۱۱. ابن حنبل، احمد، مسند، مصر: مؤسسه قرطبه، بی تا.
۱۲. ابن صباح زعفرانی، حسن بن محمد، مسند بلال بن رباح المؤذن، به کوشش مجدی فتحی السید، مصر: دار الصحابه، ۱۴۰۹ق.
۱۳. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، به کوشش محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار الفکر، بی تا.

۱۷۰ □ دو فصلنامه علمی حدیث پژوهی، سال چهاردهم، شماره بیست و هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

۱۴. ابن مقرئ، محمد بن ابراهیم، معجم، به کوشش اَبی عبدالرحمن عادل بن سعد، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۱۹ق.

۱۵. ابو عوانه اسفراینی، یعقوب بن اسحاق، مستخرج، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۹ق.

۱۶. ابو یعلیٰ موصلی، احمد، المسند، به کوشش حسین سلیم اسد، دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۴۰۴ق.

۱۷. ابو یعلیٰ موصلی، احمد، المعجم، به کوشش إرشاد الحق الأثری، فیصل آباد: إدارة العلوم الأثریة، ۴۰۷ق.

۱۸. ابوبکر اسماعیلی، احمد بن ابراهیم، المعجم فی أسامی شیوخ اَبی بکر اسماعیلی، به کوشش زیاد محمد منصور، مدینه: مکتبه العلوم والحکم، ۴۱۰ق.

۱۹. ابو داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: دار الفکر، بی تا.

۲۰. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، المسند المستخرج علی صحیح الامام مسلم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.

۲۱. بزار، ابوبکر احمد، مسند، به کوشش محفوظ الرحمن زین الله و دیگران، مدینه: مکتبه العلوم والحکم، ۱۹۸۸م.

۲۲. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، مکه: مکتبه دار الباز، ۴۱۴ق.

۲۳. —، معرفة السنن والآثار، به کوشش سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.

۲۴. پاکچی، احمد، پژوهشی پیرامون جوامع حدیثی اهل تسنن، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲ش.

۲۵. ترمذی، محمد بن عیسیٰ، سنن، به کوشش احمد محمد شاکر و دیگران، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.

۲۶. جاودان، محمد و منصور راد، حسین، «ابان بن تغلب؛ متکلمی از تبار محدثان امامی»، فصلنامه تحقیقات کلامی، شماره ۱، ۱۳۹۲ش، ص ۳۹-۵۴.

۲۷. جدیع، عبدالله بن یوسف، تحریر علوم الحدیث، بیروت: مؤسسه الریان للطباعة والنشر والتوزیع، ۴۲۳ق.

۲۸. جوزجانی، ابراهیم بن یعقوب، أحوال الرجال، به کوشش صبحی البدری السامرائی، بیروت: مؤسسه الرساله، ۴۰۵ق.

۲۹. چاچی، هیثم بن کلب، المسند، به کوشش محفوظ الرحمن زین الله، مدینه: مکتبه العلوم والحکم، ۴۱۰ق.

۳۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا،

- بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۳۱. حمیدی، عبدالله بن زبیر، *المسند*، به کوشش حبیب الرحمن الاعظمی، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
۳۲. خانی، حامد، «بایسته‌های پژوهش در حیات و اندیشه ابان بن تغلب»، *دوفصلنامه مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، شماره ۴۷، ۱۳۸۹ش، ص ۷-۴۱.
۳۳. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *الکفایة فی علم الروایة*، به کوشش ابو عبدالله سورقی و ابراهیم حمدی مدنی، مدینه: المكتبة العلمیه، بی تا.
۳۴. دارقطنی، علی بن عمر، *السنن*، به کوشش عبدالله هاشم یمانی، بیروت: بی نا، ۱۳۸۶ق.
۳۵. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، *سنن*، به کوشش فواز احمد زمرلیو خالد السبع العلمی، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۶. ذاکری قندیلو، حکیمه، *بررسی آراء، اقوال و روش تفسیری ابان بن تغلب*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عسکر بابازاده اقدم، خوی: دانشکده علوم قرآنی خوی-دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۶ش.
۳۷. ذهبی، شمس‌الدین، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، به کوشش علی محمد معوض و عادل احمد عبدال موجود، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۵م.
۳۸. ذهبی، محمد بن احمد، *ذکر أسماء من تکلم فیہ وهو موثق*، به کوشش محمد شکور آمریر المیادینی، زرقاء: بی نا، ۱۴۰۶ق.
۳۹. _____، *ذکر أسماء من تکلم فیہ وهو موثق*، به کوشش محمد شکور بن محمود، زرقاء: مکتبه المنار، ۱۴۰۶ق.
۴۰. ذهبی، محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، به کوشش شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ق.
۴۱. زرکلی، خیرالدین، *أعلام*، بیروت: دار العلم للملایین، ۲۰۰۲م.
۴۲. سراج تقفی، محمد بن اسحاق، *مسند السراج*، به کوشش إرشاد الحق الأثری، فیصل آباد: إدارة العلوم الأثریة، ۱۴۲۳ق.
۴۳. سعدون زاجی، زهراء، *روایت‌های ابان بن تغلب در منابع شیعی و سنی تا ابتدای قرن پنجم هـ ق با تأکید بر روایت‌های تاریخی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مریم عزیزیان، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۷ش.
۴۴. شافعی، محمد بن ادريس، *مسند*، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
۴۵. شبیری زنجانی، سید موسی، *پاورقی السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)*، به کوشش موسوی و ابن مسیح، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی قم، ۱۴۱۰ق.

۴۶. صنعانی، عبد الرزاق، تفسیر القرآن، به کوشش مصطفی مسلم محمد، ریاض: مکتبه الرشد، ۱۴۱۰ق.
۴۷. ضیائی، علی اکبر، «ابان بن تغلب»، ضمن جلد دوم از دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی و دیگران، تهران: انتشارات دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۴۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، الروض الدانی (المعجم الصغیر)، به کوشش محمد شکور محمود الحاج آمریر، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۰۵ق.
۴۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، به کوشش طارق بن عوض الله بن محمد و عبدالمحسن بن ابراهیم الحسینی، قاهره: دار الحرمین، ۱۴۱۵ق.
۵۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، به کوشش حمدی السلفی، موصل: مکتبه الزهراء، ۱۴۰۴ق.
۵۱. طبری، محمد بن جریر، تهذیب الآثار وتفصیل الثابت عن رسول الله من الأخبار، به کوشش محمود محمد شاکر، قاهره: مطبعة المدني، بی تا.
۵۲. طوسی، علی بن نصر، المستخرج علی جامع الترمذی، به کوشش أنیس بن احمد، مدینه: مکتبه الغرباء الأثریة، ۱۴۱۵ق.
۵۳. طیبالسی، سلیمان بن داود، مسند، بیروت: دار المعرفة، بی تا.
۵۴. عبدالرزاق هادی، علی، «التشیع و الرض عند المحلثین»، کلیة التربية الأساسية، شماره ۴۵، ۲۰۱۹م، ص ۳۱۰-۳۱۹.
۵۵. عتر، نورالدین محمد، منهج النقد فی علوم الحدیث، دمشق: دار الفکر، ۱۴۱۸ق.
۵۶. فاکهی، محمد بن اسحاق، أخبار مکه فی قادیم الدهر وحديثه، به کوشش عبدالملک عبدالله دهیش، بیروت: دار خضر، ۱۴۱۴ق.
۵۷. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال، به کوشش بشار عواد، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۰۰ق.
۵۸. مزید، علی عبدالباسط، منهاج المحلثین فی القرن الأول الهجری وحتى عصرنا الحاضر، قاهره: هیئة المصرية العامة للكتاب، بی تا.
۵۹. مسلم بن حجاج، صحیح، به کوشش محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۶۰. نجاشی، احمد بن علی، رجال، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ش.
۶۱. نسائی، احمد بن شعیب، السنن الکبری، به کوشش عبدالغفار البنادری و سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۶۲. نسائی، احمد بن شعیب، سنن، به کوشش عبدالفتاح أبو غدة، حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیه، ۴۰۶ق.

62. Motzki, H. (2016). Introduction. In Motzki, H, *Hadith Origins and Developments* (pp. xxvi-xlii). New York: Routledge.

63. Van Ess, J. (2017). *Theology and Society in the Second and Third Century of the Hijra, A History of Religious Thought in Early Islam* (Vol. 1). Leiden|Boston: Brill.